

شعر

«پښتنو بېرې ډوبيري ، ږغ مي اورئ!؟»

الماسی برانگشتر شعر پښتنو

(از باری جهانی)

در سه دهه اخیر که افغانستان معروض به طاعون کودتاها و تجاوزات ابرقدرتهای شرق و غرب گردید، فرهنگیان کشور سخت از اوضاع سیاسی و نظامی متاثر شدند و بخشی از نخبه گان تحصیل کرده و تعلیم دیده بخاطر نجات زندگی و آرمان خویش از کشور بدر رفتند، زیرا فضای حاکم بر کشور را برای ادامه حیات و زندگی فارغ از آزار و اذیت تازه به دوران رسیده ها، تنگ و پرخطر احساس میکردند.

با بیرون رفتن این بخش از فرهنگیان، آفرینش های فکری و معنوی جامعه فرهنگی کشور نیز روبه رکود و تنزل نهاد و افغانستان از لحاظ فرارمغزها و نخبه گان تحصیل کرده و صاحب نظر، صدمه جبران ناپذیری را متحمل گردید. مگر از بد حادثه، فضای جنگ سرد میان دو ابرقدرت جهانی رقیب، زمینیه هایی را فراهم نمود تا آنانی که از کشور جان سالم بدر برده بودند، به سرزمینهای دارای نظام های دموکراتیک و سیکولار پناه ببرند و در این کشورها که خود را به رعایت حقوق بشر و کنوانسیونهای حق پناهندگی مکلف می بینند، به حیات خود ادامه دهند، بدون آنکه ذره یی از احساس شریف و وطن پرستی خود را از دست داده باشند.

یکی از همین فرهنگیان شریف و وطن پرست، عبدالباری جهانی است که خوشبختانه خود را از دست مخالفان قلم و اندیشه خود در رژیم دست چپی کابل نجات داد و سراز امریکا برون کشید و امروز ما شاهد آفرینش های فکری این شاعر ملی، وطن دوست و شعرهای ناب و ارجناک وی از طریق رسانه های جمعی چون تلویزیونها، رادیوها، روزنامه ها، مجلات و بخصوص انترنت می باشیم.

بازشناسی ابعاد مختلف شخصیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آقای "جهانی" هدف این نوشته نیست، بلکه مکث بر یکی از شعرهای اوست که همین امروز در بخش صوتی پورتال افغان-جرمن آنلاين گذاشته شده است. تا آنجا که من این شعر و اشعار دیگر آقای باری جهانی را شنیده ام، شعر او درد مشترک همه افغانهاست و به همین لحاظ به دل چنگ میزند، و احساس و وطن پرستی را در انسان بیدار میکند. شعر باری جهانی، پیام مردم دوستی و خودشناسی و بیداری ملی است. پیام ترک دشمنی های جاهلانه، خود برتر بینی های قوم گرایانه و قبيله پرستانه و مذموم است. شعر باری جهانی، پیام دوستی، برادری و برابری و اتحاد با اقوام و اتنیک های ساکن در کشور است. و با چنین خصوصیات و دریافتی از شعر او است که میتوانم بگویم: کدام افغان با دانش و آگاه است که با شنیدن شعر باری جهانی در دلش وی را تحسین نکنند و بر نحوه پرداخت شعرش شاد باش نگویید؟

کدام شخص با سواد و صاحب فهم پشتون است، که شعر جهانی را بشنود و بیدریغ برفکر بلند او آفرین و شاد باد نگوید؟

کدام ذوق سلیم و شعر شناس است که در برابر شیوه پرداخت و بیان عالی و درعین حال سهل الفهم شعر باری جهانی، سرتائید نجنباند؟

من، شاعر نیستم ولی ذوق شعر شنیدن را دارم و هرباری که شعری از آقای باری جهانی را میشنوم، نه تنها متحسس و غرق لذت زیبایی و پرداخت شعرش میشوم، بلکه صدبار برفکر و اندیشه مردمی و وطن خواهانه وی آفرین میگویم. آنچه مرا امروز وادار به نگارش این چند سطر ساخت، شنیدن شعر بسیار بسیار عالی و بلند و منحصر به فرد وی در زبان پشتو تحت عنوان "پشتنوبیری دوبیزی، ژغ می آوری!؟" است که من آنرا در سایت وزین آفغان - جرمن شنیدم و چنان مرا تحت تاثیر مضمون و پیام خود قرارداد که اگر نزدیکش می بودم دستانش را بوسه میزدم و برچشم خود میگذاشتم. مقام و منزلت باری جهانی با این شعر که حکم شیپور بیداری در گوش پشتونهای از خود راضی و بی اتفاق را دارد، ده چند بلندتر و ارجمند تر گردید. به آنها که قلبی مملو از وطن دوستی دارند، توصیه میکنم تا این شعر را، که از نظر من چون الماسی بر انگشتر شعر پشتو میدرخشد، بخوانند و آنرا اگر میتوانند به حافظه بسپارند و خود را به محتوا و پیام اصلی آن آگاه و دم ساز کنند. این شعر هوشداری تکاندنده به تمام افغانهاست که اگر بخود نجنبند و دست اتحاد باهم ندهند، و در صدد نجات وطن از بحران موجوده بر نیابند، خدای نخواستگشتی آسیب رسیده افغانستان غرق خواهد شد و با غرق شدنش همه ساکنان آن با تاریخ و هویت ملی و تمام افتخارات خویش نیز نیست و نابود خواهند شد.

بعد از شنیدن این شعر برای ارجگذاری از آن، با یکی از دوستان شعر شناس خود (جناب مسعود فارانی) تماس گرفتم و وقتی از این شعر آقای جهانی لب به توصیف گشودم، دیدم وی بیشتر از من عاشق شعرهای آقای جهانی استند، وی نظر مرا تائید کردند و چند شعر دیگر آقای جهانی را همراه لینک و بسایت "سورغر" برایم فرستادند که سری به آن زدم و آخرین مصاحبه خالد هادی (مسئول سایت بینوا) را با جناب باری جهانی خواندم و از اینکه آقای جهانی از مریضی صحت یاب شده، خدا را شکر گفتم و برایش طول عمر و صحت کامل آرزو کردم. به امید سلامتی و موفقیت های بیشتر باری جهانی، شاعر ملی افغانستان.

پایان ۲۰۱۰/۴/۵